

بررسی رژیم حقوقی دریاچه خزر با تأکید بر مواضع حقوقی دولت ساحلی

دکتر علی یار ارشدی^۱

سبحان طیبی^۲

چکیده :

دریاچه خزر که بزرگترین دریاچه دنیاست، از نظر حقوقی جزء آبهای کشورهای ساحلی است و مالکیت آن منحصر به همین کشورهاست. خزر، علی رغم وسعتی که دارد، دریا محسوب نمی‌شود تا تابع مقررات حقوق دریایی و یا حقوق بین‌الملل دریاها قرار گیرد.

معاهده دوستی ۱۹۲۱ و موافقتنامه بازرگانی و بحریمایی ۱۹۴۰ که بین ایران و شوروی سابق، به امضاء رسیدند، رژیم حقوقی دریاچه خزر را شکل داده اند، لکن پس از فروپاشی شوروی، سه کشور تازه استقلال یافته همجوار خزر؛ آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان، معاهدات مزبور را بی اعتبار قلمداد و آنها را به عنوان اسنادی که تاریخ مصرفشان گذشته، محسوب می کنند، حا آن که این اسناد نزد دو کشور ساحلی ایران و روسیه، همچنان معتبرند، به طوری که عملکرد اجلاسهایی که بین پنج حاکمیت ساحلی خزر تا کنون تشکیل شده، بر پایه رژیم حقوقی گذشته، یعنی مطابق با همان توافقات مسبق، استوار شده است. مع ذلک، با توجه به عدم قبولی رژیم حقوقی تعیین شده توسط ایران و روسیه (شوروی سابق)، از سوی سه کشور ساحلی دیگر، در حال حاضر، باستثنای توافقی که پنج کشور ساحلی در مورد حفظ محیط زیست خزر به عمل آورده اند، نظارتی بر نحوه اداره امور مربوط به خزر و استفاده از منابع آن، از سوی کشورهای حاشیه ای، وجود ندارد. پس بر کشورهای ساحلی است

• استادیار دانشگاه امام حسین (ع)، تهران، ایران.

• دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، فارس

که با تدوین یک نظام حقوقی منسجم، در رفع این معضل هر چه زودتر اقدام کنند، تا منافع بزرگترین دریاچه جهان، بیش از این به علت فقدان رژیم حقوقی مناسب، به خطر نیافتد.

مواضع متفاوت کشورهای ساحلی و ارائه دیدگاه‌های مختلف راجع به نظام حقوقی حاکم بر دریاچه خزر و حقوق و تکالیف کشورهای ساحلی، سوالات و ابهاماتی را در خصوص رژیم حقوقی خزر، قبل و بعد فروپاشی شوروی، به وجود آورده که تا حال نمی‌دانیم تا کجای آب مال کیست؟ این مقاله به بررسی مواضع موجود در باره نظام حقوقی و مشکلات پیرامون آن می‌پردازد.

کلید واژه ها: دریاچه خزر، حقوق بین الملل دریاها، معاهدات بین المللی، رژیم حقوقی، جغرافیای تاریخی، رژیم مناسب (منطقه مشترک)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

استفاده صحیح و عادلانه از هر منفعتی باید مبتنی بر قانون باشد تا حتی المقدور از نزاع و تعارض حقوق طرفین جلوگیری شود. چنان که در رابطه با کشورهای ساحلی دریاچه خزر، فقدان قواعد مبتنی بر رضایت کشورهای ساحلی، کاملاً مشهود بوده و به تعارض منافع آن کشورها انجامیده است. دریاهای آزاد، نظام خاص و قانونمند خود را کسب کرده اما این به معنای حل مشکلات نظام دریایی نیست. نظام حقوقی دریاچه خزر بر اساس قراردادهای بین المللی منعقد شده بین دو دولت ساحلی ایران و شوروی سابق تعیین شده بود، اما پس از فروپاشی شوروی، قضیه دریاچه خزر دچار بحران گردید. چنان که امروزه پنج دولت ساحلی دریاچه خزر، هر کدام به فکر منافع خود بوده و ادعاهایی هم در این زمینه وجود دارد. علت این همه عدم تفاهم به خاطر وجود منابع طبیعی با ارزش و ترغیب شرکتهای غربی به سرمایه‌گذاری در این مناطق از طرف چهار کشور ساحلی به غیر از ایران است. لذا با وجود کنسرسیوم‌های نفتی و ادعاهای دول ساحلی دریاچه خزر، مشکلات موجود، تعیین نظام حقوقی را با بن بست مواجه کرده است. صرف وجود منابع طبیعی نفت و گاز، ریشه مشکلات نبوده بلکه اهمیت این دریاچه از جهات اقتصادی، ژئوپلیتیکی، استراتژیک و زیست محیطی بر مشکلات موجود افزوده است.

با توجه به موقعیت‌های موجود، کشورهای ساحلی، کانون توجه بین‌المللی و محل رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی شده و این موقعیت ویژه، قابلیت‌های مناسبی را در سطح بین‌المللی پدید آورده است. چنان که دریاچه خزر به عنوان یک منطقه بسیار مهم استراتژیک در جهان تلقی می‌گردد. پیدایش حاکمیت‌های جدید در خزر موجب ایجاد دیدگاه‌های جدید در زمینه اعمال حاکمیت در این دریاچه شد، چنان که حاکمیت‌های جدید خواستار اجرای کنوانسیون ۱۹۸۲ دریاها بر دریای خزر شدند ولی تکیه گاه حقوقی حاکمیت‌های قبلی بر معاهده‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ بوده است.^۳ با این

^۳ - تأکید جمهوری اسلامی ایران بر رژیم حقوقی خزر مبتنی بر معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ بوده و زیربار بی‌اعتباری معاهدات فوق نرفته، چنان که روسیه هم معاهدات فوق الذکر را رد نکرده است. لازم به ذکر است که با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، دولت روسیه، بر صندلی شورای امنیت به عنوان یکی از کشورهای دارای حق و تو تکیه زد و این امر به منزله قبول تمام تعهدات قراردادی دولت سابق می‌باشد.

وصف هنوز کشورهای ساحلی دریاچه خزر، توافق شایسته‌ای بر سر تعیین رژیم مناسب حقوقی در جهت بهره‌وری عادلانه از منابع خزر نکرده‌اند و این دریاچه فاقد یک نظام حقوقی مدون جهت رفع مشکلات خود است.

اول - وضعیت جغرافیایی

۱- جغرافیای تاریخی

دریای مازندران، به وسعت بیش از ۴۶۰ کیلومتر مربع، به عنوان بزرگترین دریاچه جهان، از دیر باز در موقعیت ممتازی قرار داشته و ساختار زمین‌شناسی آن به میلیون‌ها سال پیش باز می‌گردد. نام «خزر» منتسب به ملت قدیمی خزر است که حدود ۲۰۰ سال قبل از میلاد مسیح (ع) در غرب و جنوب غربی سواحل دریا زندگی می‌کردند. این ملت دارای کشوری بودند که پایتخت آن اتیل^۵ نام داشت و حدود سال ۳۵۸ میلادی در جنگ با روسیه مغلوب گردیده و از میان رفتند.

قدیمی‌ترین مدارک بازمانده در باره دریاچه خزر از هرودت^۶ مورخ یونانی به دستمان رسیده است. البته دانشمندانی نظیر ارسطو^۷، پلیب^۸، استرابون^۹ و بطلمیوس^{۱۰} در باره این دریاچه نظریاتی داشته‌اند، مع ذلک از آغاز قرن بیستم، مطالعه همه جانبه در باره این دریاچه شروع شده است. گفته می‌شود که مارکوپولو، جهانگرد معروف ایتالیایی، نخستین کسی بود که در سال ۱۲۵۴ میلادی، بسته بودن دریا را کشف کرد. شکل دریاچه خزر مشابه حرف S در زبان انگلیسی است که ترکمنستان، قزاقستان، روسیه، آذربایجان و ایران در اطراف آن قرار گرفته‌اند.

^۱ - عهد نامه مودت در ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ در مسکو و معاهده بازرگانی و بحریمایی بین ایران و روسیه در ۲۵ مارس ۱۹۴۰ در تهران منعقد شده است.

^۵ - Itile.

^۶ - Herodote (407-484 B.C.).

^۷ - Aristotle (323-384 B.C.).

^۸ - Polybe (125-210 B.C.).

^۹ - Strabon (58 B.C- 25 A.D.).

^{۱۰} - Ptolemy (83 - 161 A.D.).

دریاچه خزر در حدود ۱۲ میلیون سال قبل بخشی از اقیانوس بزرگ «تتیس»^{۱۱} بوده که در اثر حرکات پوسته زمین، تکه شده و «خزر» و «آرال» تکه‌های جدا شده آنند. خزر تا اواخر دوره میوسن به دریای سیاه متصل بوده ولی پس از انشقاق، تبدیل به یک پهنه آبی کاملاً بسته شده است. (باوند، ۱۳۷۲: ۶۵۹). این پهنه آبی امروزه بین آسیای مرکزی، قفقاز، دشتهای جنوبی روسیه و ایران محصور است (امیر احمدیان، ۱۳۸۱: ۱۳۹) نام و نشانهای این دریاچه از قدیم الایام به این شرح بوده است:

- دریای کاسپین (بحرالقریون) به علت اقامت قوم کاسپین در جنوب و غرب دریا.
- دریای طبرستان به علت اقامت تیورها در منطقه جنوبی دریا (تپورستان).
- دریای خزر به علت اقامت قوم خزر در منطقه شمال دریا (دشت قیچاق).
- دریای مازندران به علت داشتن ساحل نسبتاً طولانی در منطقه جنوبی دریا.
- دریای آبسکون^{۱۲}، دریای گرگان، دریای خراسانی، دریای جیلی، دریای ساری، دریای گیلان و دریای انزلی، نامهای دیگر دریای خزر بوده که روزی در بین مردم منطقه معمول بوده است. البته از میان نامهای مزبور، نامهای کاسپین و هیرکانی و آلبانیا بیشتر در منابع خارجی و داخلی به کار برده شده اند (تکمیل همایون، ۱۳۷۹: ۱۳؛ حاج سید جوادی، ۱۳۷۵: ۱۶ - ۹).

۲- موقعیت جغرافیایی

طول دریای مازندران ۱۲۰۵ تا ۱۲۸۰ و عرض ۲۰۲ تا ۵۵۴ کیلومتر و مساحت تقریبی آن ۴۳۵ تا ۴۶۰ هزار کیلومتر مربع است. این دریا در ۳۷-۴۷ دقیقه عرض شمالی و ۴۷-۵۵ دقیقه طول شرقی قرار دارد (مفخم پایان، ۱۳۷۵: ۳۷-۳۴). محیط دریای خزر ۶۴۰۰ کیلومتر است که میان ۵ کشور ساحلی تقسیم شده و حداکثر عمق دریاچه ۲۵۰ متر و متوسط آن ۵۰ متر است (تکمیل همایون، ۱۳۷۹: ۱۴) و (دهقان، ۱۳۸۲: ۴).

^{۱۱} - Tetis.

^{۱۲} - به دلیل وجود بندر آبسکون در سواحل شرقی این دریاچه

جریان حرکت آب این دریا در ناحیه جنوبی و میانی در جهت عکس عقربه‌های ساعت است و سطح آن حدود ۲۷ متر پایین‌تر از سطح آب دریا‌های آزاد بوده است. (تقوی اصل، ۱۳۷۹: ۱۸۷)

آب دریای مازندران نه شیرین است و نه شور و طعم خاص خود را داشته و به جهت تلخ است و علت آن را نفت دانسته‌اند. ترکیب شیمیایی املاح محلول در آن تا حدودی شبیه آب اقیانوس‌هاست با این تفاوت که در آب دریای مازندران کلرایدها کمتر و سولفات و کربناتها بیشتر است. (صفوی، ۱۳۷۹: ۴۵ - ۴۳)

به پیش بینی برخی دانشمندان، تا سال ۲۰۲۰ میلادی، آب دریای خزر تا ۲۲ متر از سطح آب دریا‌های آزاد قرار می‌گیرد که این سطح ۷ متر بالاتر از سطح آب خزر در سال ۱۹۷۷ و ۵ متر بالاتر از سطح کنونی آن است. (اسدی کیا، ۱۳۷۸: ۴۰)

اما طول ساحلی دریاچه خزر ۶۵۰۰ کیلومتر است که روسیه ۱۳۵۵ کیلومتر، آذربایجان ۸۲۰ کیلومتر، ایران ۶۵۷ کیلومتر، ترکمنستان ۱۷۶۸ کیلومتر و قزاقستان ۱۹۰۰ کیلومتر آن را در اختیار دارد^{۱۳} (امیر احمدیان، ۱۳۸۰: ۳۵).

۳- راه‌های ارتباطی

- راه آبی ولگا - دن که دریاچه خزر را به دریای سیاه متصل می‌کند. ساختن این آبراه در سال ۱۹۴۸ شروع و در سال ۱۹۵۲ به پایان رسید.

- راه آبی ولگا - بالتیک که دریای خزر را به دریای بالتیک از طریق کانال دریای سفید به دریای سفید متصل می‌سازد. (کامیار، ۱۳۸۰: ۵)

دوم) منطقه دریایی

حیات جامعه بین المللی بستگی زیادی به ارتباطات دریایی دارد و از حیث گسترش روابط بین المللی حائز اهمیت است. البته اهمیت دریاها فقط از حیث ایجاد

^{۱۳} - ذکر طول ساحلی حاکمیت‌های خزر به این دلیل است که بعضی از کشورهای ساحلی عقیده بر تقسیم آب بر اساس طول ساحلی را داشته‌اند. از آنجا که جمهوری اسلامی ایران کمترین طول ساحلی را نسبت به رقبای خود دارد، پذیرش این تقسیمی، به ضرر این کشور است.

ارتباط بین سرزمینها نیست بلکه منافع دیگری نیز دربردارند. آبهای جهان در حقوق بین الملل دریاها، به مناطق مختلف دریایی تقسیم و برای هر منطقه دریایی، نظام حقوقی خاصی پیش بینی شده است. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۳ : ۲۷۶ - ۲۷۵)

۱- وضعیت کلی

مناطق دریایی طبق حقوق بین الملل دریاها عبارتند از: آبهای داخلی، آبهای مجمع الجزایری، دریای سرزمینی، منطقه مجاور، منطقه انحصاری اقتصادی، فلات قاره، دریای آزاد و منطقه اعماق دریاها (آقایی، ۱۳۷۷: ۲۵۱ - ۸۳). علت این تقسیم بندی دریایی به خاطر وجود یک حقوق عام جهانی حاکم بر دریاهای جهان و استفاده صحیح از دریاها توسط ملل مختلف و عدم ایجاد درگیری ما بین تابعان حقوق بین الملل بوده است.

۲- حاکمیت

تا قبل از قرن بیستم میلادی، حقوق دریاها به مفهوم قواعد عام حقوق بین الملل که حاکم بر آبهای جهان باشد، وجود نداشته و بحث حاکمیت بر آنها به عنوان یک پدیده حقوقی مطرح نبوده است. اما بعد از سه کنفرانس ۱۹۵۸، ۱۹۶۰ و ۱۹۸۲ میلادی، قواعد حقوقی چگونگی استفاده و حاکمیت بر آبهای جهان ایجاد گردید. (عمادزاده، ۱۳۷۰ : ۱۳۵)

اما از آنجا که نظام حقوقی عام آبهای داخلی در حقوق بین الملل دریاها، توسعه زیادی نیافته از این روست که اقدامات بین المللی همیشه در تقابل با صلاحیت و حاکمیت کشورهای دارای ساحل بوده و لذا این مهم در تمام عهدنامه‌های مربوط به حقوق دریاها لحاظ شده است. اما این که حدود و ثغور نفوذ کشورها بر آنها چگونه است، در کلیت مناطق دریایی بحث خواهد شد و به تبع آن، اعمال صلاحیت هم در آن وجود خواهد داشت.

۳- آبهای داخلی و دریای سرزمینی

از نظر حقوقی، آبهای داخلی، در پشت خط مبدأ^{۱۴} دریای سرزمینی قرار دارند و از نظر جغرافیایی به آبهایی اطلاق می‌شود که کاملاً در داخل یک یا چند کشور واقع شده‌اند. آبهای داخلی دول ساحلی، بایستی بخشی از دریاچه خزر باشد که از آن، حدود آبهای ساحلی معین می‌شود. چنان که در قواعد حقوق دریاها مندرج در کنوانسیون حقوق دریاها، ۱۹۸۲، به آن اشاره کرده است. بنابراین آبهای سمت ساحل از خط مبدأ دریای سرزمینی بخشی از آبهای داخلی دولتها محسوب می‌شود (Laguni, 153) و آبهای داخلی شامل انواع مختلفی از آبهای طبیعی یا آبراه‌های مصنوعی مثل خورها و خلیج‌ها، دهانه رودها و بندرها می‌شود. (آقایی، الف: ۱۳۷۷ - ۷۰ - ۴۷؛ ب: ۱۳۸۴: ۳۶-۳۷)

آبهای داخلی تحت حاکمیت و سلطه کشورهای ساحلی بوده و کشورهای دیگر حق کشتیرانی و بهره برداری از آنها را ندارند مگر با اجازه کشور ساحلی. اما کشورهای ساحلی دریاها بنا به دلایل نظامی، بهداشتی، گمرکی، اقتصادی و مانند آنها، حاکمیت و حقوق داخلی خود را به منطقه‌ای از دریا که در مجاورت آبهای داخلی (و بنا به مورد در مجاورت آبهای مجمع‌الجزایری) قرار دارد، گسترش می‌دهند که این منطقه را دریای سرزمینی می‌نامند. البته در ماده ۱ طرح قزاقستان به آبراه‌های ساحلی به عنوان بخشی از واحد آبی (دریای مازندران) که محدود به مرزهای دُول همجوار است، اشاره شده که آبهای ساحلی را به آبهای سرزمینی و منطقه انحصاری و اقتصادی تقسیم کرده است. البته این تقسیم‌بندی جالب به نظر نمی‌رسد و موافق کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها نیست. البته هنوز مبنای تقسیم دریاچه خزر بر اساس کنوانسیون حقوق دریاها نیست در غیر اینصورت، کشورهای ساحلی می‌توانستند مدعی ۱۲ مایل دریای سرزمینی شوند.

۱۴ - خط مبدأ، نقطه شروع برای تعیین وسعت مناطق مختلف دریایی است که در بستر ساحل هر کشوری قرار گرفته است. محل جغرافیایی قرار گرفتن خطوط مبدأ در کجای ساحل است؟ این موضوع بیشتر از یک قرن مورد بحث بوده و به موقعیتهای جغرافیایی گوناگونی تعبیر شده است. ماده ۳ کنوانسیون ۱۹۵۸ دریای سرزمین و همچنین ماده ۵ کنوانسیون ۱۹۸۲ دریاها، خط مبدأ را با تعریف مشابهی این طور معرفی کرده که «خط معمولی برای محاسبه عرض دریای سرزمین همان حد پایین‌ترین جزر آب در طول ساحل است». اتخاذ چنین روشی در واقع برای گسترش مناطق دریایی دولتها به طرف دریای آزاد است.

البته بایستی اشاره‌ای هم به «منطقه مجاور یا نظارت» شود که در جهت حمایت از برخی منافع کشورهای ساحلی و ضرورت‌های اجتماعی، حقوق بین الملل را بر آن داشت تا حق اعمال صلاحیت‌های خاصی (و یا به عبارت بهتر حق نظارت بر حقوق خاصی) را در منطقه ای از دریای آزاد یا منطقه انحصاری اقتصادی که خارج از دریای سرزمینی است برای کشورهای ساحلی بشناسد. این منطقه را منطقه مجاور یا نظارت می‌گویند.^{۱۵}

امکان نظارت در منطقه مجاور مورد توجه کنفرانس تدوین حقوق بین الملل لاهه مورخ ۱۹۳۰ و کنفرانس حقوق دریاها ۱۹۵۸ نیز قرار گرفت. ماده ۲۴ عهدنامه دریای سرزمینی و منطقه مجاور (کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو) این گونه بیان داشته است: «کشورهای ساحلی می‌توانند در منطقه‌ای از دریای آزاد، مجاور دریای سرزمینی خود مقرراتی وضع کنند و به منظور نیل به هدف‌های زیر، نظارت لازم را معمول دارند:

- ۱- جلوگیری از نقض قوانین و مقررات گمرکی، مالی، بهداشتی و مهاجرتی کشور ساحلی در قلمرو زمینی یا در دریای سرزمینی خود.
- ۲- مجازات کسانی که این قوانین و مقررات را در قلمرو زمینی یا در دریای سرزمینی کشور ساحلی نقض کرده باشند.»

ماده ۳۳ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها نیز متضمن نکات مذکور است.

۴- منطقه انحصاری اقتصادی

یکی از نوآوری‌های حقوق دریاها، تعیین منطقه انحصاری اقتصادی است که جلوه ای از خواست دولتهای در حال توسعه می باشد. به موجب ماده ۵۵ کنوانسیون حقوق دریاها (۱۹۸۲)، منطقه انحصاری اقتصادی به منطقه ای اطلاق می شود، که در ماورای دریای سرزمینی واقع شده است. حد داخلی منطقه انحصاری اقتصادی، حد خارجی دریای سرزمینی است. به هر دولت ساحلی تا ۲۰۰ مایل حق انحصاری اقتصادی اعطاء

^{۱۵} - طبق مقررات کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو، عرض منطقه نظارت بایستی بیش از ۱۲ مایل از خط مبدأ باشد [ماده (۲) ۲۴، کنوانسیون دریای سرزمینی].

شده است. البته منطقه انحصاری اقتصادی، منطقه‌ای جدا و مستقل می‌باشد.^{۱۶} در خصوص رژیم حقوقی این منطقه، پیش نویس قزاقستان با استناد به کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، تحدید حدود را بر اساس خط مُنصف پیشنهاد می‌کند که قبول آن می‌تواند برای قرارداد آذربایجان با کنسرسیوم نفتی غرب مسأله ساز باشد (آقایی، ۱۳۸۴: ۳۸). نکته حائز اهمیت این که جمهوری‌های تشکیل دهنده اتحاد جماهیر شوروی سابق، قبل از فروپاشی، هیچ گونه صلاحیتی در منطقه بندی و اظهار نظر در تقسیمات دریای خزر نداشتند. کشور ساحلی در منطقه انحصاری اقتصادی، صرفاً دارای حقوق اقتصادی است و دو ماده ۵۵ و ۵۶ عهدنامه حقوق دریاها بیانگر این نکته است. در ماده ۵۸ عهدنامه مزبور حقوق و تعهدات سایر کشورها در استفاده از این منطقه، بیان شده و ماده ۵۹ آن نیز به تبیین سایر حقوق و صلاحیتها می‌پردازد.

ماهیت حقوقی خاص منطقه انحصاری شامل ۳ عنصر اساسی است:

- ۱- حقوق و تکالیفی که کنوانسیون حقوق دریاها بر عهده دولت ساحلی می‌گذارد.
- ۲- حقوق و تکالیفی که کنوانسیون به سایر دول می‌دهد.
- ۳- روش ارائه شده توسط کنوانسیون برای تنظیم فعالیتهایی که جزء هیچ کدام از موارد فوق نیست.

در موارد فوق، حقوق و تکالیف دولت ساحلی به طور عمده شامل مواردی از جمله:

- ۱- منابع غیرزنده، ۲- منابع زنده، ۳- تحقیقات علمی دریایی، ۴- ایجاد جزایر مصنوعی و تأسیسات، ۵- کنترل آلودگی و ۶- دیگر منابع اقتصادی (ماده ۵۶)، می‌باشد.

اما حقوق و تکالیف سایر دولتها نیز در بخشهای کشتیرانی، پرواز و تعبیه کابل زیرآبی و خطوط لوله دیده شده است. (چرچیل و لو، ۱۳۷۷: ۲۳۹ - ۲۳۰؛ آقایی، ۱۳۸۴: ۳۸)

¹⁶ - به موجب کنوانسیون ۱۹۸۲، کشورهای ساحلی دارای حق حاکمیت به منظور بهره برداری، اکتشاف، اداره و محافظت منابع طبیعی جاندار و غیر جاندار در آنها و کف دریا و زیر کف دریا در منطقه انحصاری اقتصادی را دارند.

۵- فلات قاره

از دیدگاه علم زمین شناسی، فلات قاره، سکویی با شیب ملایم از بستر دریا در مجاورت خشکی و جزایر است. جغرافی دانان، اصطلاح «فلات قاره» را به ستونیهایی تعبیر می کنند که قسمت خشکی کره زمین توسط آنها بر اقیانوسها آرمیده است. به عبارت دیگر فلات قاره، دامنه خشکیهای جهان است که به صورت کوه سر از آب بیرون آورده اند (پورنوری، ۱۳۸۳، ج ۱: ۵۶).

بنابراین فلات قاره ادامه خشکی در دریاست، اما وفق ماده ۷۶ عهدنامه حقوق دریاهای: «فلات قاره عبارت است از بستر و زیر بستر دریا. در خارج از دریای سرزمینی یک کشور ساحلی و در امتداد و دامنه طبیعی قلمرو خشکی این کشور تا لبه خارجی حاشیه قاره یا در مواردی که لبه خارجی حاشیه قاره تا آن مسافت ادامه نیافته باشد، تا مسافت ۲۰۰ مایل دریایی از خطوط مبدأ دریای سرزمینی».

در رابطه با تحدید حدود فلات قاره، ساده ترین، معمولی ترین و اساسی ترین روش، استفاده از خط مَنصَف برای کشورهای مجاور و مقابل دریاهاست. البته در همه مواقع این طور نیست چرا که این مهم منشاء اختلافاتی بوده بنابراین چه بسا ممکن بوده اعمال قاعده خط منصف یا خط میانه، منجر به تقسیم ناعادلانه یا غیرمنصفانه فلات قاره گردد. شاید به همین علت است که عهدنامه حقوق دریاهای بر خلاف عهدنامه فلات قاره، در بند ۱ از ماده ۸۳ مقرر می کند: «تحدید حدود فلات قاره میان کشورهای مجاور و مقابل دریاهای باید با توافق یکدیگر و مطابق حقوق بین الملل و به نحوی که در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری مندرج است، انجام گیرد تا به راه حل منصفانه منجر گردد» (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۳: ۳۰۳ - ۳۰۲). اما تحدید حدود فلات قاره بین دُول ساحلی دریاچه خزر، باید مطابق با مرزهای منطقه انحصاری اقتصادی انجام گیرد. از آنجا که هیچیک از دولتهای ساحلی خزر نمی تواند از ۲۰۰ مایل عرض منطقه انحصاری و اقتصادی برخوردار باشد و در عین حال هیچ کشوری نیز نمی تواند مدعی فلات قاره ای فراتر از لبه بیرونی سطح منطقه انحصاری اقتصادی باشد، لذا حصول نوعی از توافق بین کشورهای ساحلی دریاچه خزر، در این خصوص، اجتناب ناپذیرست. (آقایی، ۱۳۸۴: ۳۹)

بهره برداری از منابع بستر و زیربستر آبهای دریای خزر نکته‌ای است که بایستی یک سیستم مناسب برای آن ترسیم کرد. معمولاً بستر دریا در مجاورت ساحل؛ یعنی همان فلات قاره، از سه بخش تشکیل می‌شود:

اول: بخشی که با شیبی ملایم از خط پست‌ترین جزر ساحل تا نقاط عمیق آن ادامه می‌یابد و به طور متوسط تا عمق ۱۳۰ متری می‌رسد. در این نقطه عمق آب یکباره زیاد می‌شود که منطقه فلات قاره به معنی اخص را شامل می‌شود.

دوم: سراشیبی قاره یا پرتگاه که دارای شیب تند است و به طرف قعر دریا پیش می‌رود و به عمق ۱۲۰۰ تا ۳۵۰۰ متر تمام می‌شود و «سراسیب فلات قاره» نامیده می‌شود.

سوم: بخشی موسوم به «سراسیبی پیش قاره»، پس از سراسیب قاره قرار داشته که دارای شیب ملایم‌تری است و از رسوب پایین آمده از قاره، تشکیل می‌شود.

این سه بخش، در مجموع بیش از ۹۰ درصد ارزش کل معادن بستر دریاها را تشکیل می‌دهد. تولید نفت جهان از این منابع نزدیک به یک چهارم کل نفت تولیدی جهان است. این نسبت به مورد گاز به یک هفتم کل تولید می‌رسد. مواد معدنی ارزشمند دیگری نیز در این قسمت‌ها قرار داشته، از نظر شیلات و غیره نیز از اهمیت خاصی برخوردارست. این همه باعث شده که فلات قاره مورد توجه وافر کشورهای ساحلی قرار گیرد. کشورهای ساحلی دریای خزر نیز از این امر مستثنی نیستند و خواستار حفظ منافع خود در فلات قاره اند. در این خصوص، نکات ذیل قابل توجه اند:

۱- استفاده از منابع داخل فلات قاره تا جایی که در داخل «منطقه انحصاری اقتصادی» باشد، در انحصار کشور ساحلی است. اگر فلات قاره از منطقه انحصاری اقتصادی پیشتر

رود، از صلاحیت کشور ساحلی خارج می‌شود و باید تحت نظامی خاص، قرار گیرد.

۲- بهره برداری از منابع بستر و زیربستر، خارج از فلات قاره اگر داخل منطقه انحصاری اقتصادی باشد، در انحصار دولت ساحلی است اما اگر خارج از این منطقه باشد، تحت

نظام خاصی قرار می‌گیرد (کامیار، ۱۳۸۰: ۱۰).

سوم) رژیم حقوقی دریاچه خزر

الف: روند تاریخی خزر

۱- دوره حاکمیت ایران در خزر

بر اساس اسناد و مدارک تاریخی، ایران شش قرن قبل از میلاد بر خزر سلطه داشته و حاکمیتش در آن زمان، انکارناپذیر است. با گسترش قدرت و قلمرو مغولها، خزر به صورت نسبی تحت حاکمیت مغول قرار گرفت (باوند، ۱۳۸۰: ۷-۶)، با ظهور صفویه، حاکمیت ایران احیاء شد اما با ظهور پطر کبیر و قدرت روسیه از اواسط قرن ۱۶ میلادی، حاکمیت بلامنازع ایران، دچار خلل گردید. (دمیرچی لو، ۱۳۸۵: ۱۶۲).

۲- نزول قدرت ایران و صعود قدرت روسیه

با ظهور پطر کبیر و قدرت گرفتن روسیه و گسترش قلمرو این کشور با تصرف استر خان در سال ۱۵۵۶ میلادی، حاکمیت روسیه بر خزر، شکل جدی به خود گرفت. با قرارداد ننگین شاه طهماسب، شهرهایی چون دربند، باکو و استرآباد به روسیه واگذار شدند. سپس امضاء قراردادهای ننگین «گلستان» به سال ۱۸۲۳ و «ترکمنچای» به سال ۱۸۲۸ میلادی، سبب گردید که سواحل غربی خزر از ایران جدا و محدودیتهای بسیاری برای حق استفاده ایران از خزر ایجاد شود. معاهده آخال در سال ۱۸۸۱ و امضای کنوانسیون ۱۸۹۳ بین ایران و روسیه نیز سبب ورود لطمات دیگری به حقوق ایران در دریاچه خزر گردید. (دمیرچی لو، ۱۳۸۵: ۱۶۴-۱۶۳).

۳- خزر قبل از فروپاشی شوروی

نگاه تاریخی به روابط دو کشور ایران و شوروی، نشان دهنده دو عهدنامه گلستان و ترکمنچای است که در زمان انعقاد آن دو، ایران از داشتن نیروی دریایی مستحکم، محروم بوده ولی روسیه سیطره کاملی بر دریا داشته است. اما پس از پیروزی انقلاب بلشویکی در روسیه، میان دو کشور، در ۲۶ فوریه سال ۱۹۲۱ میلادی، عهدنامه مودت به امضاء رسید که به موجب آن، دولت روسیه موافقت کرد تا تمامی موافقت نامه ها و عهدنامه های موجود بین دولت تزار روسیه و ایران که به موجب آنها، حقوق مردم ایران

تضییع شده است، لغو و فاقد اثر شود. علاوه بر آن، معاهدات دیگری هم، مرتبط با مسئله خزر، بین ایران و شوروی به امضاء رسیدند.^{۱۷} فصول ۷ و ۱۲ معاهده ۱۹۲۱ و مواد ۱۲ و ۱۳ قرارداد بازرگانی و بحریمایی ۱۹۴۰ ناظر بر حقوق برابر دو کشور در زمینه کشتیرانی در دریای خزر است. (دمیرچی لو، ۱۳۸۵: ۱۶۵)

در سال ۱۹۳۰ آزادی ماهیگیری در محدوده ۱۰ مایلی برای طرفین به رسمیت شناخته شد. اما وضع حقوقی دریای خزر تا قبل از فروپاشی به صورت دریای تحت حاکمیت مشترک بوده است. در بررسی موارد مشابه، دریاهای شبیه دیگری هم موجودند که حاکمیت آنها تحت سلطه کشورهای ساحلی است. مانند خلیج فنسکا^{۱۸} که کشورهای نیکاراگوئه، السالوادور و هندوراس پیرامون آن قرار دارند، یا دریاچه لادوگا^{۱۹} بین فنلاند و شوروی که موضوع معاهده ۱۹۲۰ منعقد بین آن دو کشور (موسوم به معاهده دورپات^{۲۰}) است و بدون تعیین مرز، به هر دو کشور تعلق دارد. البته دریاچه خزر موقعیت خاصی داشته و برای کشورهای مثل قزاقستان و ترکمنستان و آذربایجان یک راه تنفس تجاری محسوب می شود.

به طور کلی وضعیت حقوقی دریاچه خزر در دوران شوروی را می توان «برابری در نظر و نابرابری در عمل» ذکر کرد. (دمیرچی لو، ۱۳۸۵: ۱۶۶)

۴- خزر بعد از فروپاشی شوروی

در اثر فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، از منظر حقوق بین الملل، چند دولت مستقل در همسایگی شمالی ایران شکل گرفتند که عبارتند از: آذربایجان، ترکمنستان، قزاقستان و کشور روسیه. سؤال اینست که آیا این کشورها بر اساس اصل جانشینی باید به همان معاهدات قبلی عمل کنند یا خیر؟ گرچه دولت روسیه، سه کشور دیگر را نسبت به تمامی تعهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ مسئول دانسته است اما کشورهای مزبور مخالف این

^{۱۷} - موافقتنامه پستی ۱۹۲۳، معاهده استفاده از رودخانه های مرزی مورخ ۱۹۲۶، معاهده تأمینیه و بی طرفی ۱۹۲۷، قرارداد همکاریهای شیلانی ۱۹۲۷، معاهده پستی ۱۹۲۹ و ... (دمیرچی لو، ۱۳۸۰: ۱۶۵)

^{۱۸} - Fonseca Gulf.

^{۱۹} - Ladoga Lake.

^{۲۰} - Dorpat Treaty.

نظرند و در عین حال، تا کنون علی رغم گذشت شانزده سال از زمان فروپاشی شوروی و مستقل شدن کشورهای اشاره شده، هیچ توافقی ما بین ۵ دولت ساحلی در خصوص تعیین رژیم حقوقی دریاچه خزر، صورت نپذیرفته است، هرچند به نظر ایران، تا حصول توافق همه جانبه، تنها اسناد ناظر و معتبر بر رژیم حقوقی دریای خزر، همان معاهده های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ میلادی است. در حال حاضر دولت آذربایجان معتقد به تقسیم نامساوی خزر و دولت قزاقستان به نظام حقوقی و سیاسی آزاد دریای خزر معتقد است. ایران و روسیه نیز نظام مشاع را در چارچوب توافقات حاصله بعدی، مد نظر دارند. در نتیجه، نظر کشور آذربایجان، مقابل نظر ۴ کشور دیگر قرار دارد.

باید این نکته مورد توجه قرار گیرد که دریاچه خزر کاملاً محصور در خشکی بوده و از قدیم الایام به عنوان دریای ایران و روس، محسوب می شده است. از این رو، دریاچه خزر برطبق مقرراتی که دو کشور ساحلی ایران و روسیه (شوروی سابق) تنظیم و منعقد کرده بودند، اداره می شد. این مقررات مشتمل بر توافقات دو جانبه ای بود که تعیین کننده رژیم حقوقی خاص برای کشتیرانی، ماهیگیری، کنترل آلودگی و استخراج از منابع فلات قاره، شمرده می شد.

ب: سابقه مذاکرات بر سر تعیین رژیم حقوقی

اولین مذاکرات مربوط به دریاچه خزر در دوران پس از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ م (۱۳۷۰ هـ.ش)، در حاشیه اجلاس سران اکورخ داد و منجر به صدور بیانیه و تعیین کمیته های پنج گانه همکاری، به شرح ذیل شد:

۱- کمیته رژیم حقوقی دریای خزر، ۲- کمیته تحقیقاتی علمی و کنترل نوسانات آب دریای خزر، ۳- کمیته حمل و نقل، ۴- کمیته ماهیگیری (تحت عنوان کمیته منابع بیولوژیک دریای خزر)، ۵- کمیته حفاظت محیط زیست دریای خزر.

کمیته های فوق الذکر به غیر از کمیته رژیم حقوقی به کار خود پایان دادند.

سپس اجلاس های دیگری در خصوص تعیین رژیم حقوقی آن، به سالهای ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵ برگزار شدند که عملاً موفقیتی در بر نداشتند. در سال ۱۹۹۶ نیز در عشق آباد (مرکز ترکمنستان)، اجلاسی با حضور وزرای خارجه کشورهای ساحلی، شکل گرفت. در سال ۲۰۰۳ کنوانسیون حفاظت از محیط زیست دریایی دریاچه خزر، بین پنج کشور

ساحلی امضاء شد (دمیرچی‌لو، ۱۳۸۵: ۱۶۸). سپس در سال ۱۳۸۴ کارگروه تدوین «کنوانسیون رژیم حقوقی خزر» موفق به تدوین بخشهایی از کنوانسیون شد. اما به دست آمدن توافقی بر سر بهره‌برداری از منابع زیر بستر، عرض دریای سرزمینی، نحوه فعالیت‌های نظامی و انتظامی، میسر نشد.

مواضع متفاوت کشورهای ساحلی موجب عدم موفقیت «گروه ویژه تدوین» در راستای تدوین کنوانسیون گردیده و سؤالات و ابهامات بسیاری را در این زمینه مطرح ساخته است (جووت، ۲۰۱: ۱۳۷۸).

کشورهای ساحلی دریاچه خزر، ۱۲ سال پس از فروپاشی شوروی، در این خصوص، چهار دیدگاه حقوقی را ارائه دادند^{۲۱}:

- ۱- دیدگاه آذربایجان و قزاقستان که بر اساس دیدگاه تقسیم کامل دریاست و اعتقاد بر تقسیم براساس خط میانی دارند. (امیدی، ۱۳۸۴: ۱۸۳)
- ۲- موضع روسیه^{۲۲} مبتنی بر دیدگاه تقسیم تعدیل یافته، بوده و فرمول «خط میانی تعدیل شده» را ارائه داده و بر طبق آن، بستر و روی بستر ۱۰ مایل از خط ساحلی به عنوان منطقه ملی برای هر کشور ساحلی محسوب می‌شود.
- ۳- دیدگاه ترکمنستان موافق عمل کردن طبق معاهده‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ می باشد تا آن که کشورهای ساحلی به رژیم حقوقی جدید دست یابند.
- ۴- موضع ایران موافق با تقسیم برابر دریا، بین ۵ کشور ساحلی با احتساب ۲۰ درصد برای هر کشور است (امیدی، ۱۳۸۴: ۱۸۴)

^{۲۱}- رژیم حقوقی کنونی خزر نه تنها برای ایران و روسیه بلکه برای سه کشور استقلال یافته نیز همچنان معتبر است. سران آنها به همراه دیگر اعضای جامعه مشترک المنافع صراحتاً در اعلامیه آلمانی (مرکز قزاقستان) در ۲۱ دسامبر ۱۹۹۱ موافقت کردند که به تعهدات بین‌المللی ناشی از معاهدات و موافقتنامه‌های امضاء شده در دوران شوروی سابق، پایبند باشند (کاریانی، ۱۳۸۴: ۱۹۸؛ Declaration, 1991, 149).

^{۲۲}- موضع روسیه در خصوص وضعیت حقوقی خزر به گونه‌ای است که دریاچه خزر را به عنوان یک پهنه آبی منحصر به فرد محصور در خشکی تلقی می‌کند به گونه‌ای که مشمول موازین با تعاریف «معاهده مونته‌گروبی» راجع به حقوق دریاها ۱۹۸۲ نمی‌باشد. (کاریانی، ۱۳۸۴: ۲۰۱؛ کنوانسیون سازمان ملل متحد راجع به حقوق دریاها مصوب ۱۹۸۲).

ج - رژیم مناسب

واقعیت اینست که حقوق بین الملل، تعیین وضعیت حقوقی این گونه مجموعه آبها را برعهده کشورهای ساحلی قرار داده است و مثالهای متعددی در این زمینه وجود دارد. لذا نظام حقوقی دریاچه خزر باید از یک نظام ویژه حقوقی مورد توافق تمام کشورهای ساحلی آن، پیروی کرده و اصول عمومی حقوق بین الملل دریاها در رابطه با دریای آزاد، ماهیگیری، فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی، بر آن حاکم نمی باشد.

نباید فراموش شود که دریاچه خزر وسیعترین دریاچه جهان و دارای موقعیت مهم بین المللی است. منابع زنده دریایی آن بسیار غنی و در جهان نادر و منحصر به فرد است. منابع بستر و زیر بستر آن نیز بسیار غنی و امکان رونق بخشیدن به وضعیت اقتصادی کشورهای ساحلی خود را دارد. این دریاچه قابلیت کشتیرانی و حمل و نقل دریایی در خود را دارد و با این توصیف حفاظت همه جانبه از دریاچه باید مد نظر باشد و این مهم فقط در سایه همکاریهای متقابل امکان پذیر است. دریاچه خزر باید در صلح و آرامش قرار داشته و منابع آن، با رعایت مصالح و منافع کلیه کشورهای ساحلی، قابل دسترس و استفاده برای ساکنان همه آن کشورها باشد. برای برخورداری از رژیم حقوقی مناسب، نکات ذیل قابل توجه است:

۱- آبهای داخلی با توجه به تعریف آن، در رژیم حقوقی دریاچه خزر، به آن قسمت از آبهایی که پشت خط مبدأ قرار می گیرند، اطلاق می شود که جزء قلمرو حاکمیت و مالکیت دولت ساحلی است، اما با این شرط که سایر کشورها ساحلی نیز باید از اجازه لنگر انداختن کشتیهای تجاری خود برخوردار باشند.

۲- تعیین آبهای سرزمینی برای حفظ امنیت و نظارت بر رفت و آمد کشتیهای سایر کشورها (با توافق دول ساحلی) ضروری می باشد. دول ساحلی با اعطای اجازه عبور و مرور کشتیهای تجاری، موضوع صلاحیت قضائی کیفری را نیز باید مورد بحث و بررسی قرار دهند.

۳- ایده ایجاد منطقه «انحصاری اقتصادی» یا حداقل منطقه «انحصاری استخراج و بهره برداری»، ایده‌ای قابل قبول است. کشورهای ساحلی حق دارند از تمامی منابع طبیعی این منطقه استفاده کنند. البته این مهم لزوماً فقط با تعیین مقررات دقیق

و تحدید حدود منطقه، امکان پذیر بوده که به نظر می رسد منطبق با نظر ایران و روسیه نیز باشد.

۴- بهره برداری از بستر دریاچه خزر با توجه به این که هیچگونه مقرراتی در مورد آن بین ایران و شوروی سابق وجود نداشته است و همچنین با عنایت به این که از نظر علم زمین شناسی، در مورد وجود فلات قاره در دریاچه خزر، تردید جدی وجود دارد و تمامی بستر این دریا بدون انقطاع و بریدگی بوده و به طور یکنواخت می باشد. لذا صرفنظر از مقررات مورد توافق در خصوص مناطق انحصاری، تمامی بستر این دریا متعلق به همه بوده، باید به طور مشترک مورد بهره برداری قرار گیرد.

۵- توجه به انعقاد قراردادی چند جانبه میان کشورهای ساحلی جهت اعطای حق عبور و مرور کشتی ها از کانال «ولگا - دن» و «ولگا - بالتیک»، بسیار مهم می باشد.

۶- حفاظت از محیط زیست و جلوگیری از آلودگی آبهای خزر باید مهمترین رکن هر توافق بر سر تعیین رژیم حقوقی باشد. این نکته از نظر ایران باید مورد توجه جدی فرار گیرد. فقط به ذکر این نکته بسنده می شود که عمده آلودگی دریاچه خزر ناشی از آلودگی اکتشاف نفت از خلیج باکو و همچنین آلودگی های رودخانه ای (دفع فضولات و پس مانده های صنعتی به دریا) بوده که به گفته کارشناسان، در صورت عدم جلوگیری، این دریاچه به یک مرداب تبدیل خواهد شد.

نتیجه:

مذاکرات هیأت های نمایندگی ۵ کشور ساحلی در بیش از ۱۵ سال گذشته و برگزاری اجلاس های متعدد تا کنون از عهده تعیین رژیم حقوقی مورد توافق تمام دول ساحلی برنیامده است.

«تردد آزاد کشتیرانی تجاری» و «غیر نظامی شناختن این دریا» و همچنین «بهره برداری مشترک دول ساحلی از بستر دریاچه خزر» قطعاً راه را بر امضای سند

نهایی رژیم دریا خزر خواهد گشود. هر چند که عدم حصول چنین توافقی، مانع تاکید و پافشاری دولت ایران بر مواضع خود نخواهد بود.

منابع

الف - داخلی

۱) کتب

۱. آقایی، بهمن (۱۳۸۴)، مجموعه مقالات حقوق بین الملل دریاها و مسائل ایران، انتشارات گنج دانش، تهران.
۲. تقوی اصل، سید عطا (۱۳۷۹)، ژئوپلتیک جدید ایران از قزاقستان تا گرجستان، نشر وزارت امور خارجه، تهران.
۳. پورنوری، منصور (۱۳۸۳)، حقوق بین الملل دریاها، انتشارات مهد حقوق، تهران.
۴. تکمیل همایون، ناصر (۱۳۷۹)، سرگذشت دریای مازندران، نشر دفتر پژوهشهای فرهنگی، تهران.
۵. دهقان، فتح اله (۱۳۸۲)، بررسی منابع نفت و گاز حوزه دریای خزر و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات همه، تهران.
۶. رابین چرچیل و آلن لو (۱۳۷۷)، حقوق بین الملل دریاها، مترجم: دکتر بهمن آقایی، انتشارات گنج دانش، تهران.
۷. صفوی، سید یحیی (۱۳۷۹)، مقدمه‌ای بر جغرافیای نظامی ایران، انتشارات دانشگاه امام حسین (ع)، تهران.
۸. ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۳)، حقوق بین الملل عمومی، نشر میزان، تهران.
۹. عمادزاده، محمدکاظم (۱۳۷۰)، حقوق بین الملل عمومی، نشر انا، تهران.
۱۰. مفخم پایان، لطف اله (۱۳۷۵)، دریای خزر، مترجم: جعفر خمایی‌زاده، انتشارات هدایت، رشت.

۲- مقالات

۱۱. آقایی، بهمن (۱۳۶۶)، رژیم حقوقی دریای مازندران، مجله حقوقی، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی شماره ۸ بهار و تابستان.
۱۲. امیراحمدیان، بهرام (۱۳۸۱)، ایران و دریای خزر در چشم انداز ژئوپلتیک، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز شماره ۳۵ پاییز.
۱۳. اسدی کیا، بهناز (۱۳۷۸)، آیا خزر قربانی نفت می‌شود، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز شماره ۲۲ تابستان.

۱۴. امید، علی (۱۳۸۴)، ایجاد منطقه مشترک. راه حلی برای برون رفت از بن بست رژیم حقوقی دریای خزر. فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۵۲ زمستان.
۱۵. باوند، داود (۱۳۷۲)، نگرشی بر رژیم حقوقی دریای خزر، نویدها و زندهاها، فصلنامه خاورمیانه شماره ۲ پاییز.
۱۶. باوند، داود (۱۳۸۰)، رژیم حقوقی دریای خزر: نگاهی به ابعاد زیست محیطی و امنیتی. فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۳۶ زمستان.
۱۷. جودت، بهجت (۱۳۷۸)، مسابقه ژئوپولتیک دریای خزر. چشم اندازی بر هزاره جدید، مترجم: ناصر قبادزاده فصلنامه مطالعات خاورمیانه شماره ۴ زمستان.
۱۸. حاج سید جوادی، سید کمال (۱۳۷۵)، نام‌های دریای مازندران، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز شماره ۱۴، تابستان.
۱۹. دمیرچی‌لو، مجتبی (۱۳۸۵)، نگاه ایرانی به تحولات رژیم حقوقی دریای خزر، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز شماره ۵۳ بهار.
۲۰. کاریلی، ماریکا (۱۳۸۴)، توافقه‌های دو جانبه، رهیافت سیاسی جدید برای بهره برداری نفتی در دریای خزر، مترجم: مجتبی دمیرچی‌لو، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز شماره ۵۲ زمستان.
۲۱. کامیار، محمدرضا (۱۳۸۰)، تا کجای آب مال کیست؟ مجله حقوق و اجتماع، شماره ۲۳ و ۲۴ مهر و آبان.
۲۲. مدرسی قوامی، سید حسن (۱۳۷۶)، پتانسیل صدور نفت خام جمهوری‌های ترکمنستان، آذربایجان، قزاقستان، مجله اقتصاد انرژی، شماره ۴، پاییز.

ب : خارجی

- 23- Laguni, R., International Waters, In Encyclopedia of Int'l Law.
- 24- Alma-Ata Declaration, 21 December 1991, International Legal Materials, No 149. 1992.